٩[[1]](#footnote-1)۱

طهران

جناب ناظم‌الأطبّآء علیه بهآء اللّه الأبهی

هواللّه

اللّهمّ یا ربّی الرّحمن انت الکریم و انت المنّان انّی اتضرّع الیک باللّسان و الجنان و ابثّ شکوای بین یدیک علی اهل العدوان ربّ تری انّ الخونة الجهلآء قد افتروا علی الأحبّآء و الأصفیآء یصوّبون الیهم سهام البهتان فی کلّ حین و آن و یشرعون الیهم اسنّة الطّعن و الافترآء بلسان حداد و انّک لتعلم انّ احبّائک برآء من کلّ فساد و متجنّبین عن اهل العناد سالکین سبیل الرّشاد قد اشتغلوا بأنفسهم و سلکوا فی سبیل رضائک و رضوا بقضائک و صبروا علی بلائک و نطقوا بثنائک و سرعوا الی مشهد الفدآء یتمنّون کأس الرّدی حبّاً بجمالک و یبتهلون الیک بقلوب طافحة بالولآء و لا یتقرّبون الی الثّوّار و لا یستمعون من اولی الاستکبار و لا یتکلّمون بکلمة تشمئزّ منها قلوب الفجّار فکیف الأبرار مع ذلک تری الأعدآء لا یمهلونهم طرفة عین من الجفآء و لا یسکتون عن کلمة السّوء بهذا الأثنآء ربّ احفظ عبادک المخلصین من سهام المبغضین و احرس احبّتک الموقنین من ظلم الجائرین و قهم عذاب اللّؤمآء و تعدّی الخصمآء و سطوة الزّنمآء و عدوان کلّ عتلّ لئیم معتد اثیم انّک انت الحافظ الواقی الحارس القویّ المتین

حمداً لمن اشرق و لاح من الأفق الأعلی علی القلوب الصّافیة المنجذبة الی الملکوت الأبهی و تلألأت انواره المقدّسة علی الحقائق المستنبئة من الحقیقة المقدّسة العلیا فأنطق الورقآء فی الحدیقة النّورآء علی الأفنان بفنون الألحان و ابدع الأنغام فی جنّة الرّضوان فترنّح المنجذبون بنسائم الرّحمن کأنّها صهبآء صافیة طافحة من کأس السّرّآء و انجذبت القلوب و انشرحت الصّدور و انتعشت الأرواح من انوار ذلک المصباح الّذی اشرق و لاح من ملکوت العلی و التّحیّة و الثّنآء علی الحقیقة النّورانیّة و الکلمة الجامعة الرّحمانیّة و الجلوة الصّمدانیّة و الطّلعة السّبحانیّة الواسطة الکبری و الوسیلة العظمی و المشیّة المقدّسة البیضآء الدّالّة علی الطّریقة المُثْلی الهادیة للوری الی سبیل لا عوج فیها و لا امتی و علی من اتبعه فی هذا الصّراط المستقیم و سلک فی المنهج القویم و شرب من عین التّسنیم و ثبت علی العهد القدیم و ما اخذته لومة لائم من کلّ عتلّ زنیم الی ابد الآبدین و سرمد الدّهر فی القرون الآخرین

ای ثابت بر پیمان نامهٴ نامی مشحون بجواهر و لآلی و حقائق و معانی سرور مبذول نمود و حبور مشهود کرد فی‌الحقیقه چنانست که مرقوم نمودی یاران از هر فساد و فتنه در کنار و مجتنب از حرکات و سکنات اهل استکبار ساکت و خاموش سرمست و مدهوش و از نفحات قدس در جوش و خروش نه با اهل سیاست همراز و نه با حرّیّت‌طلبان دمساز نه در فکر حکومت نه مشغول بذمّ احدی از ملّت از جمیع جز ذکر حقّ غافل و بیزار و بنصّ قاطع مطیع حکومت شهریار و بامر شدید منقاد سریر سلطنت بخود مشغولند و بسلوک در سبیل رضای الهی مألوف تعدیل اخلاق کنند و تشویق بصفات ممدوحهٴ انسان بتصفیهٴ قلوب پردازند و بتزکیهٴ نفوس مشغول گردند زیرا در جهان دل و جان تأثیر و نفوذ جویند و از عالم امکان و شئون نفس و هوی بیزارند باری یاران باید بر مسلک خویش برقرار باشند و از غلوّ و استکبار بیگانگان تغییر و تبدیل در روش و سلوک ندهند در هیچ امری مداخله نکنند و بهیچ مسئله‌ئی از مسائل سیاسیّه نپردازند شب و روز منجذب بنفحات قدس گردند و متذکّر بذکر حقّ در محافل انس از راز و نیاز دم زنند و بافق عزّت پرواز کنند و بآهنگ و نغمه و آوازی پردازند که عالم آفرینش را بوجد و طرب آرند اینست روش و تکلیف بهائیان اینست مسلک روحانیان اینست مشرب ربّانیان طوبی لمن فاز بهذا الأمر العظیم و قام علی اطاعة ربّه الکریم انّ ذلک لهو الفوز العظیم و علیک البهآء الأبهی جمیع متعلّقان را از ذکور و اناث تحیّت ابدع ابهی ابلاغ دارید ع ع

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۲ اکتبر ۲۰۲۳، ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر

1. ۱ رقم ٩ بر طبق حساب ابجد معادل عددی کلمه ”بهاء“ است. [↑](#footnote-ref-1)